سیاست در ایران

گفت‌وگوی صریح روزنامه‌نگاران با دبیرکل مشارکت ۶
اعتراض به احضار دبیران کل احزاب . . . . . .
پاسخ رئیس جمهور به اعتراض مجلس ۷
درخواست تشکیل کمیته هسته‌ای . . . . . .

سیاست در جهان

گزارش مرکز فرماندهی ارتش آمریکا منتشر شد . . ۸
۷ مورد اتهام علیه خدام . . . . . .
گفت‌وگوی الجزیره با سعد الحریری ۹
قطع سخنرانی هیلاری کلینتون . . . . . .

اقتصاد و بورس

گفت‌وگو با محمدحسین شریف‌زادگان ۱۰
اجرای ۲ طرح انتقال آب به تهران . . . . . .
رشد ۶٫۳ واحدی شاخص کل ۱۱
اعمال نظرات شخصی در سیاست‌های پولی . . ۱۲

بازار

ائتلاف ۱۵ نفره برای کمک به فرش . . . . . .
واگذاری ۸ میلیون سیم کارت در سال جاری . . ۱۲

دیپلماسی

خبرها

اتهام وزیر دفاع آمریکا به ایران

ایسنا: دونالد رامسفلد وزیر دفاع آمریکا با متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم گفت: آنها بیشتر وقت شان را با سوریه و کره شمالی و مردمی نظیر آنها می گذرانند. وی افزود: جورج بوش رئیس جمهور آمریکا در مسیر دیپلماتیک قرار دارد. این تصمیم او است که از نظر من تصمیمی صحیح است. رامسفلد ادامه داد: تمامی تلاش ها در حال انجام است تا شاهد آن باشیم که سازمان ملل به این موضوع می پردازد و فکر می کنم بهترین کار این است که این کار برعهده آن گذاشته شود. وی ضمن تهدید خواندن ایران برای آمریکا و رژیم صهیونیستی از دادن پاسخ مستقیم به این سئوال که آیا وقوع جنگ را متحمل می داند خودداری کرد.

البرادعی چهارشنبه می آید

ایرنا: خبرگزاری فرانسه از وین به نقل از برخی دیپلمات های مقیم در اتریش اعلام کرد که «محمد البرادعی» مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی روز چهارشنبه این هفته راهی تهران می شود. به گفته این منابع «البرادعی» روز پنجشنبه با مسئولان ایرانی مذاکراتی انجام خواهد داد و روز جمعه به وین بازخواهد گشت. بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی روز جمعه گذشته به تهران آمدند و کار خود را در مرکز غنی سازی اورانیوم در نطنز شروع کردند. قرار است مدیرکل آژانس بین المللی انرژی هسته‌ای در پایان ماه آوریل گزارش خود را در مورد فعالیت های هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه دهد.

حمله پیشگیرانه به ایران احمقانه است

ایسنا: وزیر امور خارجه انگلیس با اظهارنظر درباره جنگ روانی اخیر برخی رسانه های غربی مبنی بر حمله آمریکا به ایران گفت: ایده حمله پیشگیرانه هسته‌ای به ایران کاملاً احمقانه است. جک استراو وزیر امور خارجه انگلیس که در برنامه یکشنبه شبکه خبری بی بی سی حضور یافته بود، در واکنش به گزارش های چاپ شده در مجله نیویورکر مبنی بر حمله احتمالی به تجهیزات هسته‌ای ایران از سوی آمریکا گفت که لندن حمله پیشگیرانه به تهران را نمی پذیرد. وی افزود، مطمئن است که آمریکا هم چنین حمله‌ای را نمی پذیرد. استراو به مجری برنامه بی بی سی گفت که شواهد اخیر نشان می دهد به گمان زیاد، ایران در حال توسعه ظرفیت هسته‌ای غیرنظامی است که می تواند برای سلاح های هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد. استراو افزود که هیچ مدرک جرمی وجود ندارد و بنابراین هیچ بنایی برای اقدام نظامی وجود ندارد. استراو همچنین با ادعای حسنی مبارک رئیس جمهور مصر مبنی بر این که شیعیان در جهان عرب به ایران نسبت به سایر کشورها وفاداری بیشتری دارند، مخالفت کرد و در این باره گفت: با بسیاری از رهبران شیعه در عراق و جاهای دیگر سخن گفته، این افراد شیعه اند اما در وهله اول عراقی هستند. این در حالی است که حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر پیشتر گفته بود که بیشتر شیعیان در جهان اسلام به ایران بیش از کشورهایی که در آن زندگی می کنند، وفادارند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، حسنی مبارک رئیس جمهور مصر در گفت وگویی با شبکه ماهواره‌ای العربیه مدعی شد: شیعیانی که در همه کشورهای (منطقه) وجود دارند، درصد آن چشمگیر است و شیعیان اغلب به ایران وفادارند و نه به کشورهایی که در آن زندگی می کنند. وی در پاسخ به سئوالی درخصوص نقش ایران در عراق ادعا کرد: طبیعتاً ایران بر شیعیانی که بیش از ۶۵ درصد جمعیت عراق را تشکیل می دهند، نفوذ دارد. براساس گزارش رویترز، مبارک همچنین نسبت به خروج سریع نیروهای آمریکایی از عراق هشدار داد و گفت که این اقدام در حال حاضر یک فاجعه خواهد بود. رئیس جمهور مصر افزود در این صورت عراق صحنه جنگ بی رحمانه داخلی خواهد بود و آنگاه عملیات های تروریستی نه تنها در عراق بلکه در بسیاری اماکن حادتر خواهد شد.

سفر لاریجانی به عمان و قطر

ایسنا: یک مقام مسئول هدف از انجام سفرهای منطقه‌ای دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران به کشورهای حاشیه نشین خلیج فارس را بررسی راه های تقویت روابط دوجانبه و رایزنی درباره مسئله هسته‌ای با این کشورها توصیف کرد. این مقام مسئول اظهار داشت که این سفرها موضوعات مختلفی شامل بررسی راه های گسترش روابط دوجانبه، موضوعات منطقه‌ای و بین المللی و همچنین مسئله هسته‌ای و ارائه گزارشی در این خصوص را دربرمی گیرد که موضوع هسته‌ای در این بین از مهم ترین موارد گفت وگوها است. وی با بیان این که تاکنون این سفرها فقط دو کشور عمان و قطر را دربرگرفته است، احتمال انجام سفر لاریجانی به کشور دیگری را پس از قطر بعید ندانست، اما به نام کشورهای احتمالی دیگر اشاره‌ای نکرد. دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران دیروز پس از پایان سفرش به عمان، دیداری یک روزه را از قطر برای مذاکره با مقامات آن کشور انجام داده است. به گزارش روزنامه الشرق قطر، علی لاریجانی در این سفر قصد داشته درخصوص درخواست های جامعه بین المللی و ایران درباره برنامه هسته‌ای تهران با مقامات قطر مذاکره کند. این روزنامه قطری سفر لاریجانی را در راستای تلاش های قطر برای حل مسالمت آمیز مسئله هسته‌ای ایران دانسته است. این روزنامه همچنین سفرهای اخیر نمایندگان آمریکا و روسیه در سازمان ملل و محمد البرادعی مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی به دوحه را از دیگر تلاش های دیپلماتیک قطر برای حل دیپلماتیک مسئله هسته‌ای ایران خوانده است. قطر یکی از ۱۰ عضو غیر دائم شورای امنیت است. همچنین به گزارش خبرگزاری عمان، سلطان قابوس پادشاه عمان شب گذشته با علی لاریجانی دیدار کرده و با وی درخصوص روابط دوجانبه و راه های ارتقای این روابط مذاکره کرده است. در این دیدار که سفیر ایران در عمان نیز در آن حضور داشته است، پادشاه عمان مذاکرات سیاسی را راه حل مسئله هسته‌ای ایران دانست.

دریای خزر اهمیت گذشته را ندارد

مقاله‌ای از عباس ملکی، مدیر مرکز مطالعات دریای خزر ایران

برخی از صاحب‌نظران معتقدند که در اکثر نقاط جهان، تولید نفت خام در حداکثر خود قرار دارد و بنابراین از این پس شاهد کاهش تولید در آن نقاط مانند دریای شمال و یا آمریکای مرکزی خواهیم بود. استثنا در این مسئله چاه‌های نفت عراق، ایران و کمی سعودی است که به حداکثر ظرفیت استخراج تاکنون نرسیده‌اند. مسئله تقاضا برای نفت در آینده نه چندان دور، یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در سیاستگزاری های انرژی در سطح جهان است. یکی از گزارش ها خاطرنشان می سازد که در سی سال آینده، پیش بینی می شود که سرانه مصرف انرژی در کشورهای پرجمعیتی مانند هند و چین، اگر به مقدار فعلی سرانه انرژی مردم کره جنوبی برسد، آن گاه به تنهایی این سه کشور متقاضی ۱۲۰ میلیون بشکه نفت در روز خواهند بود. این رقم را با مصرف فعلی جهان که بین ۶۰ تا ۷۰ میلیون بشکه در روز است، مقایسه کنید. علاوه بر بالا رفتن تقاضا برای انرژی در قاره آسیا در سال های آینده، به نظر می رسد که استفاده از نفت خام همچنان تسلط خود را بر سبد حامل انرژی ها حفظ خواهد کرد. این سهم در سال ۲۰۲۰ به ۴۰ درصد خواهد رسید و سهم گاز نیز در حالی که سریع ترین رشد را در سال های آینده خواهد داشت از ۲۲ درصد در حال حاضر به ۲۶ درصد در ۲۰۲۰ خواهد رسید. در این صورت برای رفع کمبود نفت و گاز به مناطق تولید این دو محصول باید توجه کرد و در این میان گاز به عنوان تمیزترین سوخت فسیلی که کمترین مقدار آلوده کننده اکسید دوکربن را در فرآیند سوختن تولید می کند، مورد تقاضای بسیار قرار گرفته است. مجموع ذخایر ثابت شده گاز جهان در انتهای ۲۰۰۲ بالغ بر ۱۵۶ تریلیون مترمکعب بوده است. تولید گاز طبیعی در ۲۰۰۲ مجموعاً ۲۵۲۸ میلیارد مترمکعب بوده که نسبت به سال قبل ۴/۱ درصد افزایش نشان می دهد. در ابتدای قرن بیست و یکم، استفاده از گاز سریع ترین رشد را در میان حامل های انرژی داشته است. پیش بینی می شود که سهم گاز از ۲۳ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۸ درصد در ۲۰۳۰ برسد. بدین ترتیب دریای خزر از لحاظ ژئوپولتیک انرژی نقش خاص پیدا می کند. دریای خزر دارای بزرگترین منابع شناخته شده‌ای است که در آخرین تلاش بشر برای رسیدن به منابع بیشتر و درازمدت تر انرژی کشف شده است. بنابراین منابع انرژی خزر آخرین جبهه نبرد انسان و طبیعت برای کشف ذخایر جدید است. از لحاظ گاز مسئله آنگاه جالب تر می شود که بدانیم روسیه و ایران ۵۲ درصد از منابع جهانی گاز را در اختیار دارند و اگر این دو کشور بتوانند در دریای خزر نیز منابع گازی جدیدی را کشف کنند، آنگاه توازن انرژی در سطح جهانی به نفع منطقه خزر تغییر خواهد کرد. این در موقعیتی است که در اروپا نیاز به گاز به عنوان یک سوخت پاکیزه هر روز بیشتر می شود. در این میان اما مسئله مهم انتقال گاز به بازارهای مصرف است. به قول یکی از مقامات شرکت اکسون موبیل، گاز خزر مثل بوسه مرگ است. شما نمی توانید آن را در محل استفاده کنید، شما نمی توانید آن را صادر کنید، شما نمی توانید آن را فراموش کنید. شرکت های متخصص در امر تولید گاز معتقدند که قراردادهای گاز با توجه به ذات این ماده که نگهداری و انتقال آن را بسیار سخت تر از نفت کرده، نیاز به دقت بیشتر داشته و در عین حال مدت قرارداد نیز باید درازمدت تر باشد. با توجه به تمامی عوامل به نظر می رسد که همچنان قیمت نفت دریای خزر در بازارهای مصرف گران باشد. بدان دلیل که اولاً هزینه تمام شده نفت در دریای خزر گران است. به قولی اگر قیمت نفت در بازارهای جهانی بالاتر از ۲۵ دلار در هر بشکه باشد، آنگاه نفت دریای خزر برای تولیدکنندگان جذاب خواهد بود. دیگر آن که هزینه‌های حمل و نقل نفت در خزر به بازارهای جهانی با نفت خلیج فارس قابل مقایسه نیست.

■ نگاهی دوباره به نفت و گاز خزر

نگاهی دوباره به نفت و گاز خزر، نشان از برملا شدن واقعیت های جدیدی است که جهان از آشکار شدن آنها حیرت کرده است. حیرت از آن جهت که چگونه دستگاه روابط عمومی و رسانه‌ای آمریکا می تواند تا این اندازه واقعیات را قلب و آنچه که به نفع شرکت های بزرگ نفتی است به خورد مردم دنیا بدهد. بالاخره معلوم شد که نفت منطقه خزر، نمی تواند این منطقه را یک خلیج فارس دوم بنماید و همچنین نمی تواند از لحاظ توسعه این منطقه را از عقب ماندگی نجات دهد. کل ذخایر اثبات شده نفت می تواند حداکثر ۵۰ میلیارد بشکه باشد و این یعنی ۴ درصد کل ذخایر جهانی و این نمی تواند بازار انرژی جهانی را به تسخیر خود درآورد. اما می تواند تاثیرگذار باشد. «استیومان» مدیر کل وزارت امور خارجه آمریکا در سیاستگزاری انرژی در دریای خزر معتقد است که در سال های آینده قزاقستان خواهد توانست حداکثر سالانه ۳۰ میلیارد دلار از نفت و گاز را به دست آورد، ترکمنستان ۲ میلیارد دلار که با توجه به جمعیت ۴ میلیونی آن قابل توجه است. در مورد دریای خزر نگاه دیگری نیز وجود دارد که حاکی از آن است که بازی بزرگ در خزر تمام شده است. بدین معنی که حوزه‌های نفتی خزر آنچنان که آمریکا تبلیغ می کرد، جذاب نیستند و دیگر آن که با ساخت خط لوله های تنگیز- نوروسیسک و باکو- تفلیس- جیهان رقابت استراتژیک برای خطوط لوله نیز تمام شده است. «کالین کمبیل» زمین شناس نفت می گوید که اکتشافات اخیر در دریای خزر نومیدکننده است. مقدار نفتی که اکنون ثابت شده در این منطقه وجود دارد و نوع آن از لحاظ کمی و کیفی، کمتر از آن است که حدس زده می شد. نکته دیگر نگاه سیاستمداران در واشینگتن است که پس از وقایع ۱۱ سپتامبر توجه سابق و به خصوص کابینه کلینتون را نسبت به خزر ندارند. از دلایل این تغییر دیدگاه، همکاری نزدیک و صمیمانه روسیه و آمریکا در صحنه انرژی است که نیاز آمریکا به نفت کم و پرهزینه خزر را کمتر می سازد. در یک مقاله که نویسنده آن دستیار سابق وزارت خارجه آمریکا در سیاست های انرژی است، اینچنین گفته می شود که ده سال تمرکز بر خزر بس است. این منطقه دیگر اهمیت درجه اول برای آمریکا ندارد. این نویسنده خاطرنشان ساخته است که دلایل تمرکز سیاست های آمریکا در منطقه اوراسیا بر روی خزر همگی تغییر کرده است. از جمله اگر آمریکا در گذشته نمی خواست نفت و گاز از طریق روسیه به بازار آزاد برسد، اکنون بیشتر مایل است که با روسیه همکاری کند. دیگر آن که پس از ۱۱ سپتامبر، تمرکز بر مبارزه علیه تروریسم افزونی یافت. کشورهایی که در منطقه از لحاظ این مبارزه اهمیت بیشتری دارند، عبارتند از قرقیزستان، ازبکستان و گرجستان. این کشورها از لحاظ انرژی حرفی برای گفتن ندارند. سوم آن که هزینه ریسک سیاسی برای سرمایه گذاری در کشورهایی نظیر قزاقستان افزایش یافته است.

■ استراتژی آمریکا در منطقه دریای خزر

در روزهای آخر سال ۲۰۰۰، وزارت انرژی آمریکا در ارزیابی خود از بازار جهانی نفت تجدیدنظر کرده و نتیجه گیری کرد که موقعیت ذخایر نفت سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه کمتر از مقداری است که قبلاً برآورد کرده است. همچنین در سه دهه گذشته هیچ گاه مقدار ظرفیت اضافی بدون بهره برداری در بخش تولید نفت به این مقدار کم نبوده است.

اصولاً در سطح کلان، استراتژی آمریکا برای تامین انرژی در دوره ریاست بوش و با توجه به دخالت دیک چنی در امور نفتی، بر سه پایه استوار است: اول، اجازه دادن به شرکت های آمریکایی برای افزایش تولید داخلی آمریکا از طریق کم کردن مالیات و مجوز حفاری در نقاطی مانند ساحل غربی آلاسکا که قبلاً به خاطر حفظ حیات وحش و مسائل زیست محیطی از این کار جلوگیری شده بود و همچنین خلیج مکزیک. دوم، از بین بردن محدودیت هایی که باعث محرومیت بازار آمریکا از دستیابی به منابع نفتی کشورهایی مانند ایران، عراق و لیبی می شود. این کار به وسیله عادی ساز روابط با لیبی و اشغال نظامی عراق امکانپذیر شد. در مورد ایران به نظر می رسد که مقامات آمریکایی به دنبال کمتر کردن نقش منابع نفت و گاز ایران در بازار جهانی از طریق محدود کردن سرمایه گذاری های کلان در این کشور هستند. ایران از نگاه آمریکا در دریای خزر نباید فعال بوده و نباید خطوط لوله از مسیر این کشور بگذرند، زیرا حضور ایران در صحنه انرژی و عبور آن در خلیج فارس کاملاً همراه با تسلط است و آمریکایی ها مایل به حضور ایران در بازار انرژی خزر نیستند. استراتژی آمریکا در منطقه دریای خزر براساس دو دسته اهداف بلندمدت و کوتاه مدت طراحی شده است. از اهداف بلندمدت آمریکا در اوراسیا، مهار ایران است. ایران فارغ از نوع حکومت آن، یک کشور عمیقاً ژئواستراتژیک است و در تعریف آن گفته‌اند که به لحاظ آن که کشوری با امکان دسترسی به آب های آزاد است، به سادگی قابل محاصره شدن نیست و چون موانع طبیعی کوهستانی در اکثر مرزهای خود دارد بدون کمک همسایگان قابل حمله نیست و با پیروزی انقلاب اسلامی عنصر اراده نیز به امتیازات ژئوپولتیکی ایران افزوده است. نکته دیگر نفوذ نظامی آمریکا در منطقه خزر است که به تدریج و با بهانه هایی مانند آموزش نیروهای نظامی و یا برگزاری مانورها پیگیری می شود. تاکنون همه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به جز تاجیکستان عضو پروژه مشارکت برای صلح وابسته به ناتو گردیده‌اند. مانورهای مشترک آمریکا، ازبکستان و قزاقستان همه ساله انجام شده و گارد ساحلی قزاقستان در آمریکا آموزش دیده و ارتش جمهوری آذربایجان و مغولستان در برنامه های آموزشی در آمریکا شرکت کرده‌اند. علاوه بر آن آمریکا قایق های گشتی ساحلی به قزاقستان اهدا کرده و ترکیه نیز یک کشتی جنگی به آذربایجان فرستاده است.

■ تاثیر واقعه ۱۱ سپتامبر بر دریای خزر

حوادث نادر در ماه های شهریور و مهرسال ۱۳۸۰ از جمله حمله به نیویورک و واشینگتن، اعلام جنگ آمریکا علیه تروریسم و لشگرکشی آمریکا و انگلستان به افغانستان تاثیرات جدی در روابط بین الملل و تعامل میان کشورها در سطح جهانی داشته است. تاثیرات و پیامدهای این وقایع در دریای خزر از قرار زیر است: ۱- برخی از صاحبنظران هدف اصلی از حمله آمریکا به افغانستان را دستیابی به منابع عظیم نفت و گاز منطقه خزر و آسیای مرکزی دانسته اند. باید گفت که گرچه حضور نظامی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و تکمیل آن توسط برنامه گسترش ناتو به شرق در قفقاز، دسترسی به منابع دریای خزر را نیز به همراه دارد، اما مشکل بتوان گفت که هدف اساسی غرب از لشگرکشی به افغانستان بتواند چنین موضوعی باشد. کل ذخایر نفت و گاز دریای خزر ۳ درصد از منابع انرژی جهان است و بازی آمریکا در منطقه احتمال بی ثباتی در کشورهای اسلامی و به خصوص کشورهای عربی را افزایش داده است. بنابراین منطقی نیست که آمریکا برای دسترسی به ۳ درصد از منابع جدید انرژی، منطقه‌ای با ۶۰درصد سهم از انرژی جهان یعنی خلیج فارس را با افزایش احتمال آشوب و ناامنی مواجه سازد. ۲- لیکن به نظر می رسد که حمله آمریکا به افغانستان علاوه بر سیاست های اعلامی مانند برچیدن لانه تروریسم، با هدف حضور نظامی آمریکا در آسیای مرکزی قرین باشد. به لحاظ ژئوپولتیک، هرگونه حضور غرب در آسیای مرکزی، به معنای شکاف انداختن مابین چهار قدرت منطقه‌ای یعنی روسیه، چین، هند و ایران است و دستیابی به چنین هدفی برای غرب و به خصوص آمریکا ارزشمند و در عین حال پرهزینه است. ۳- حمله آمریکا به افغانستان در حوزه خزر دارای پیامد جدی در ارتباط با خطوط لوله انتقال نفت و گاز است. موقعیت افغانستان به گونه‌ای است که یکی از ارزان ترین طرق حمل گاز به وسیله خط لوله از مناطق گازخیز ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان به دریای عرب و اقیانوس هند را امکان پذیر می سازد. باید توجه داشت که رشد مصرف انرژی در دهه های آینده در آسیای شرقی و آسیای جنوب شرقی از دیگر نقاط جهان بیشتر است و این خط لوله می تواند تقاضای رشد یابنده در آسیا را جبران کند. شرکت نفت آمریکایی یونوکال از ابتدای به قدرت رسیدن طالبان در کابل فکر ساخت خط لوله گاز ترکمنستان- پاکستان را داشت. این شرکت برای این کار مبلغ ۲ میلیارد دلار در نظر گرفته بود. تنها پس از شکست طالبان در تسخیر تمامی افغانستان و افشای چهره آنان به عنوان گروه ضدحقوق بشر و انتقاد مجامع مختلف در ۱۹۹۸ بود که یونوکال اعلام کرد، از این پروژه دست کشیده است. مطالعات پروژه انجام شده و متناسب با اوضاع افغانستان، هر زمان ممکن است که مجدداً عملیات اجرایی آن شروع شود. ۴- یکی از برندگان حمله آمریکا به افغانستان، روسیه بود. برخی از صاحبنظران معتقدند که روسیه با علم به این که آمریکا در باتلاق افغانستان زمینگیر خواهد شد، به نوعی سعی در همراهی کردن و شرکت در ائتلاف ضدتروریسم را دارد. برخی دیگر عنوان می کنند که پوتین بدین نتیجه رسیده بود که مقاومت رودررو در برابر آمریکا، برای روسیه امکان پذیر و خلاف منافع ملی آن است و مناسب است که روسیه با عضویت در ناتو، بستن پایگاه های کنترل الکترونیک در کوبا، اجازه دادن به آمریکا برای حضور در آسیای مرکزی و قفقاز و شرکت در ائتلاف ضدتروریسم، علاوه بر ریشه کن کردن افراطیون در چچن، دیگر مناطق فدراسیون روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز از مزایای پیشنهادی توسط غرب به کشورهای همراه با مبارزه با تروریسم مانند عضویت در سازمان تجارت جهانی، استفاده از کمک های پولی بلاعوض، استفاده از لابی یهودیان و نفوذ در سازمان های بین المللی مالی بهره برد. در هر دو صورت، روسیه برنده بحران اخیر است. با فرض صحت گفته فوق، یکی از اهداف روسیه در دوره جدید روابط خویش با آمریکا که بدان نام «روابط بعد از دوره پایان جنگ سرد» نهاده‌اند، فعال کردن سیاست خود در دریای خزر است. روزنامه هرالدتریبیون در گزارش ۸ آبان ۱۳۸۲ خود می نویسد که کاندولیزا رایس مشاور امنیت ملی آمریکا گفته است که به دنبال کاهش و یا تحت فشار قرار دادن منافع روسیه در منطقه خزر نیست. در عوض روسیه از آمریکا خواسته است که به این کشور فضای بیشتری برای مانور در بخش های اقتصادی و انرژی در دریای خزر بدهد. ۵- روسیه در عین حال به عنوان یکی از راه های امن تولید و انتقال نفت و گاز خزر در آینده برای آمریکا مطرح است. در زمانی که یکی از احتمالات در سیاستگزاری آمریکا- ولو ضعیف- مختل شدن جریان نفت و گاز خلیج فارس ذکر می شود، روسیه به عنوان جایگزین هرچند که توان رقابت کامل با خلیج فارس را ندارد مطرح می شود. پوتین در سیاست های خود در مورد همکاری کامل با غرب در جریان مبارزه با تروریسم، تعهد خود در مورد عرضه بیشتر انرژی را مطرح ساخته است. ۶- یکی دیگر از امتیازاتی که روسیه در ارتباط با منطقه خزر به دنبال آن است، تمام شدن بحران چچن است. چچن آرام به روسیه امکان آن را می دهد که علاوه بر خطوط لوله به جا مانده از شوروی سابق در منطقه، اکتشافات و همچنین خطوط لوله جدیدی در مناطقی مانند آذربایجان، داغستان، آبخازیا و گرجستان فراهم کند. در حالی که پوتین با ارائه یک سیاست خشن در ۱۹۹۹ به کاخ کرملین راه یافت. تجربه نشان داد که او آنچنان که قول داده بود نتوانست در مارس ۲۰۰۰ بحران چچن را به پایان برساند. اکنون و در سایه مبارزه آمریکا با تروریسم تمامی کشورها هر کدام به نوعی به دنبال گروه‌های تروریستی علیه خود هستند. روسیه در ازای همکاری با آمریکا تاکنون توانسته است نام گروه‌های چچنی را نیز در فهرست مهم ترین گروه‌های تروریستی جهان منتشره توسط وزارت خارجه آمریکا ثبت کند و اکنون نیز به دنبال آن است که با زیر فشار قرار دادن گرجستان از طریق نظامی و همچنین تحولات آبخازیا و تحقیر شوارد نادزه، راه را برای یک سیاست محکم تر در برخورد با چچنی ها هموار کند. از مجموع مطالب فوق اینچنین نتیجه گیری می شود که دریای خزر هم اکنون دیگر اهمیت سابق را برای یکی از بازیگران یعنی آمریکا ندارد. پس از حمله قوای آمریکایی و بریتانیایی به عراق یکی از منابع تامین کننده نفت وارداتی آمریکا می تواند عراق باشد. تحلیل های گوناگون در این نظر مشترک است که صادرات نفت عراق می تواند تا ۲۰۰۵ به ۳ میلیون بشکه در روز برسد. در حالی که صادرات نفت خزر در حال حاضر کمتر از ۸۰۰ هزار بشکه در روز بوده و در ۲۰۰۵ این مقدار حداکثر به ۵ میلیون بشکه در روز می رسد. نکته دیگر همکاری بی دریغ روسیه در زمینه انرژی با آمریکاست. در ملاقات اخیر رؤسای جمهور دو کشور در واشینگتن، رئیس جمهور روسیه اعلام کرد که هدف روسیه رسیدن به تامین ۱۰ درصد از واردات نفت آمریکاست. و آخرین نکته آن که به نظر می رسد با تعیین خطوط لوله ارسال نفت و گاز خزر به خارج از منطقه رقابت استراتژیک برای حداکثر کردن منافع هر یک از بازیگران به انتهای خود رسیده است. خطوط لوله ساخته شده از جمله تنگیز- نوروسیسک، باکو- نوروسیسک، باکو- سوپسا و خطوط در حال ساخت باکو- تفلیس- جیهان و نکا- ری تمامی نفت تولیدی از خزر را می توانند صادر کنند. بنابراین جایی برای رقابت باقی نمانده است. به عبارت دیگر بازی بزرگ تمام شده است. در صورتی که این نظریه صحیح باشد که منابع نفت و گاز دریای خزر دیگر اهمیت حیاتی برای آمریکا ندارد، می توان به دوران پس از آمریکا در این دریا فکر کرد. به نظر می رسد که این تحول دارای پیامدهای زیر است: ۱- آهنگ توسعه در کشورهای منطقه آهسته تر می شود. به رغم سیاست های تهاجمی آمریکا در این منطقه نباید از نظر دور داشت که واقعیت حاکی از آن است که حضور آمریکا و کمک های این کشور به دولت های حاشیه خزر باعث شتاب بخشی در برنامه های رشد اقتصادی این کشورها شده است. آمریکا دارای سابقه و تجربه ممتد در برنامه های کمک اقتصادی به سایر کشورها در یکصد سال اخیر است. تنها ایران از این کمک ها محروم بوده است. واقع گرایی در آمار مربوط به منابع انرژی باعث کاهش روند سرمایه گذاری در خزر خواهد شد. ۲- بازیگران اصلی منطقه عبارت خواهند بود از: ایران و روسیه. ایران در غیاب آمریکا می تواند نقش طبیعی و تاریخی خود را ایفا کند؛ نقشی که هم به لحاظ فرهنگی در ادامه تاریخ، مردمان این کشور به عهده دارند و همچنین نقش اقتصادی که جغرافیا به گردن این کشور انداخته است. ۳- در غیاب حضور آمریکا، فضای جدیدی برای حل برخی از مشکلات و منازعات منطقه‌ای فراهم می شود. به خصوص منازعات منطقه‌ای منجمد همچون قره‌باغ، آبخازیا، اوستیا، اختلافات مابین تالشی ها و دولت آذربایجان. ایران در مورد پایان دادن به مناقشه قره‌باغ دارای ظرفیت مناسبی است که تاکنون از آن استفاده نشده است. ۴- رژیم حقوقی دریای خزر می تواند زودتر تکمیل شود. عدم وجود فشارهایی از طرف آمریکا و شرکت های نفت و گاز آن، به نوعی به همگرایی مابین کشورهای منطقه‌ای کمک می کند. در آخرین تحول از این دست در ۱۳ آبان ۱۳۸۲، کنوانسیون زیست محیطی دریای خزر در تهران به امضای ۴ کشور ایران، روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان رسید و دو روز بعد ترکمنستان نیز آن را امضا کرد. ۵- مدل های جدید روند توسعه برای کشورهای منطقه مطرح می شد. این مدل ها می توانند از نوع دوگانه رشد اقتصادی انبساطی همراه با انقباض سیاسی تجربه شده در چین، مدل توسعه لیبرالیستی از نوع ترکیه، خصوصی ساز تدریجی مانند روسیه و یا توسعه همراه با توجه به عوامل فرهنگی- تاریخی مانند ایران باشند. ۶- نهادهای مدنی در جوامع مختلف خزر دوباره فعال خواهند شد. واقعیت آن است که هجوم سیاسی و نفتی آمریکا به منطقه باعث شکل گیری و حمایت از نهادهای غیردولتی مدرن شد که در جوامع مسلمان دارای نقش برجسته‌ای نیستند. در عوض نهادهایی مانند مساجد، هیات های مذهبی، تشکل های محلی به کلی نادیده گرفته شدند. رشد طبیعی این گونه سازمان ها به برقراری ثبات کمک می کند.

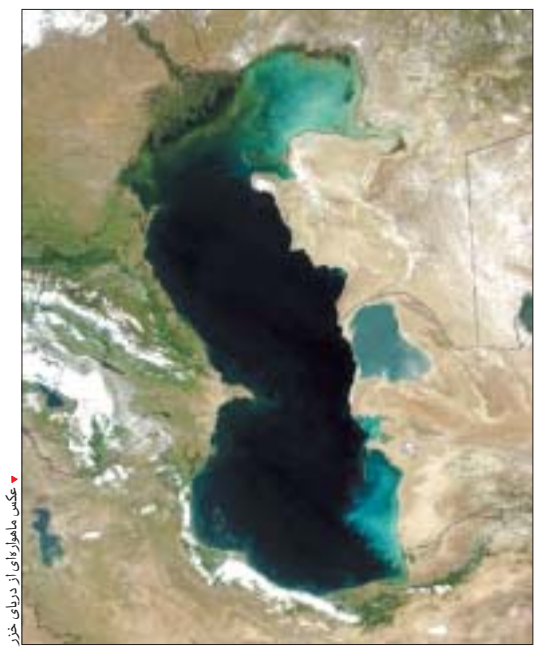

عکس ماهواره‌ای از دریای خزر

خبرها

آمریکا در موقعیت رویارویی جدید نیست

ایسنا: وزیر امور خارجه ایران با اشاره به نفرت شدیدی که امروزه در کشورهای اسلامی نسبت به سیاست های واشینگتن ایجاد شده است، گفت: آمریکا در موقعیت یک رویارویی نظامی جدید نیست. منوچهر متکی وزیر امور خارجه ایران در گفت وگو با روزنامه سوئیسی برنر سایتونگ اظهار داشت: ما معتقدیم که عرضه مطمئن انرژی برای کل جهان بسیار مهم است و ما به تعهداتی که با کشورهای مختلف در زمینه صدور نفت داریم، پایبند خواهیم ماند. وی افزود: مسیر عبور تانکرهای نفت در خلیج فارس مسدود نخواهد شد، ضمن آن که کشور ما مدت ۲۷ سال است که تحت تحریم های مختلف آمریکا قرار دارد و امروز نیز ایرانیان به خوبی آموخته‌اند که چگونه با تحریم درست برخورد کنند. متکی در پاسخ به این سئوال که آیا ایران از حمله نظامی آمریکا ترسی ندارد، گفت: دولت آمریکا در موقعیتی نیست که یک بحران دشوار و پرهزینه دیگری را بر دوش پرداخت کنندگان مالیات در کشورش تحمیل نماید و لذا ما تصور نمی کنیم که آمریکایی ها در پی یک رویارویی نظامی جدید باشند. وزیر امور خارجه ایران در ادامه اظهار داشت: ما هشیاری مان را همواره در منطقه و در برابر آمریکا و همچنین رژیم صهیونیستی حفظ می کنیم، ضمن آن که در هیچ برهه‌ای از تاریخ همچون امروز نفرت نسبت به آمریکا به ویژه از سوی مسلمانان تا این حد بالا نبوده است و لذا آمریکایی ها نمی توانند حمله نظامی دیگری در منطقه انجام دهند. وی در رابطه با فعالیت های صلح آمیز هسته‌ای ایران تاکید کرد: ما از حقوق مان در چارچوب معاهده NPT به خوبی آگاهیم که حق ما در زمینه استفاده صلح آمیز از فناوری هسته‌ای نیز جزیی از آن است و ما از این حق مان صرف نظر نخواهیم کرد. متکی تاکید کرد: ما فعالیت های هسته‌ای مان را برای مدتی موقت متوقف ساختیم تا شفاف سازی نماییم ولی متاسفانه هیچ تحرک سازنده‌ای از سوی مذاکره کننده مقابل خود مشاهده نکردیم. وزیر امور خارجه ایران افزود: براساس مقررات آژانس بین المللی انرژی اتمی کشورها باید تمامی فعالیت های هسته‌ای خود را پیش از آغاز اعلام نمایند و ما به هیچ وجه این مقررات را نقض نکرده‌ایم. وی درخصوص تلاش های کشورمان برای حل مسئله هسته‌ای اش ادامه داد: ما تاکنون پیشنهادات بسیاری را روی میز گذاشته‌ایم و حتی من در کنفرانس خلع سلاح ژنو پیشنهادی ارائه کردم که طی آن کشورهای مختلف در منطقه می توانند کنسرسیومی را تشکیل داده و به صورت مشترک از فناوری هسته‌ای برای مصارف صلح آمیز بهره گیرند و آژانس نیز می تواند بر آن نظارت دقیقی داشته باشد.

بسمه تعالی

فراخوان مقاله

سومین کنفرانس منطقه ای مدیریت ترافیک

3rd Regional Conference Traffic Management

معاونت راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی ج.ا. با همکاری دانشگاه‌ها و نهادهای ذیربط با اهداف شناخت عوامل موثر بر ترافیک و ارائه راهکارهایی پویا برای حل این معضل و در نهایت برای دستیابی به موثرترین راه‌های برون رفت از فاجعه تصادفات رانندگی، سومین کنفرانس منطقه‌ای مدیریت ترافیک را با حضور فرهیختگان، اندیشمندان و صاحب نظران ترافیک برگزار می کند. لذا از علاقمندان دعوت می شود خلاصه مقالات خود را حداکثر تا تاریخ ۸۵/۳/۱۰ در ۴۰۰ کلمه در یک صفحه A4، به صورت تایپ شده به دو زبان فارسی و یا انگلیسی به نشانی دبیرخانه کنفرانس ارسال نمایند.

محورهای کنفرانس:

۱- مدیریت ایمنی و تصادفات
۲- نقش IT و فن آوری های نوین در مدیریت ترافیک
۳- هماهنگی سازمان‌ها در مدیریت ترافیک
۴- آموزش، مشارکت مردم در ارتقاء فرهنگ ترافیک
۵- ملاحظات زیست محیطی و مدیریت ترافیک
۶- قوانین و مقررات و اعمال آن در مدیریت ترافیک
۷- نقش مدیریت شبکه

آدرس دبیرخانه:

تهران، کوی نصر، خیابان ملکی (سی و ششم)، پلاک ۱۰
کدپستی: ۱۴۴۸۹۳۳۵